

همایش مهاجران عرب در بریتانیا

ضیاء الفلکی و آخرون، الجالیة العربیة فی بریتانیا؛
اعمال المؤتمر الثالث الذی نظمه النادي العربی فی
بریتانیا، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة،
الطبعة الاولى، سبتمبر ۲۰۰۲.

عبدالرضا همدانی

کارشناس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات
استراتژیک خاورمیانه

سومین همایش «مهاجران عرب در
بریتانیا» توسط باشگاه عربی که در شهر
لندن فعالیت می‌کند، برگزار شد. در این
همایش که سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده در
آن توسط مرکز مطالعات وحدت عربی در
سپتامبر ۲۰۰۲ منتشر شده است، چهار
موضوع اصلی مورد بحث قرار گرفت که
عبارتند از: ۱. هویت فرهنگی اعراب ساکن
بریتانیا؛ ۲. وضعیت اقتصادی اعراب در
بریتانیا؛ ۳. مشارکت سیاسی اعراب در
بریتانیا؛ و ۴. سامان‌دهی و تأمین مالی
فعالیت‌های اعراب در بریتانیا.

در مراسم افتتاحیه این کنفرانس،
ضیاء الفلکی، رییس کمیته آماده‌سازی این
همایش، با اشاره به روابط تاریخی بریتانیا و

اعراب اظهار داشت که همکاری‌های بازرگانی
میان انگلستان و کشورهای عربی از اهمیت
بالایی برخوردار است، به طوری که تنها در
سال ۱۹۹۷ ارزش مبادلات تجاری میان
طرفین به بیش از دوازده میلیارد دلار رسیده
است و بر اساس برخی از آمارها میزان
سرمایه‌گذاری اعراب در انگلستان در حدود
یکصد و پنجاه میلیارد دلار می‌باشد. اما از
سوی دیگر به رغم روابط بازرگانی، اعراب
ساکن در بریتانیا نقش چندانی در حیات
سیاسی این کشور ندارند. وی از
شرکت کنندگان در این همایش تقاضا کرد
که راهکارهایی را برای مشارکت فعال اعراب
در عرصه اجتماعی-سیاسی انگلستان
ارایه نمایند.

برای بررسی مسئله هویت فرهنگی
اعراب ساکن در بریتانیا به مواردی همچون
زبان، دوگانگی فرهنگی و مشکلات ادغام در
جامعه انگلستان اشاره شده است. یکی از
مواردی که برای حفظ هویت فرهنگی
اهمیت فراوانی دارد، سخن گفتن به زبان
مادری است. در این همایش نیز با توجه به
اینکه فرزندان بسیاری از خانواده‌های عرب
در انگلستان متولد شده‌اند و در مدارس
انگلیسی زبان تحصیل می‌کنند، به فرصت‌ها و
موانع فراوان پیش روی این فرزندان، که

فرزندان نسل دوم و یا سوم خوانده می شوند، جهت آشنایی با زبان و فرهنگ مادری اشاره شده است.

فرصتهایی که برای یادگیری زبان عربی فراهم می باشد، عبارتند از:

۱. نزدیکی جغرافیایی انگلستان به کشورهای عربی شمال آفریقا و حاشیه دریای مدیترانه و توانایی سفر اغلب اعراب ساکن در انگلستان به این کشورها؛ ۲. استفاده از رسانه های گروهی همچون تلویزیون و روزنامه های عربی زبان؛ ۳. استفاده از جدیدترین وسایل ارتباط جمعی نظیر اینترنت؛ و ۴. حضور در جمع دیگر اعراب ساکن در انگلستان و مشارکت در فعالیتهای اجتماعی آنان.

مهمترین موانع نیز عبارتند از:

۱. زندگی در جامعه ای که زبان اصلی آن زبان عربی نیست و در نتیجه اغلب ارتباطات و مکالمات روزمره به این زبان نمی باشد.
۲. تحصیل در مدارس انگلیسی زبان. با توجه به اهمیت مسئله یادگیری زبان عربی، در این همایش از خانواده ها خواسته شد که به هر شیوه ممکن به فرزندان خود زبان عربی را بیاموزند و همچنین از کلیه نهادهای فرهنگی عربی تقاضا شد که

در راستای کمک به خانواده ها، کتاب و دیگر وسایل آموزشی زبان عربی را تا حد امکان فراهم نمایند.

دوگانگی فرهنگی نیز از دیگر مسایل مهم گریبان گیر فرزندان است که در کشورهای غیر از سرزمین مادری خود متولد می شوند. جواد النواب، کارشناس مسایل اجتماعی، فرزندان عرب ساکن در انگلستان را به چند گروه تقسیم کرده است که عبارتند از:

۱. فرزندان که پدر و مادرشان از یک کشور عربی هستند؛
۲. فرزندان که پدر و مادرشان متعلق به دو کشور عربی هستند؛
۳. فرزندان که یکی از والدینشان عرب و دیگری غیر انگلیسی است؛

۴. فرزندان که یکی از والدینشان عرب و دیگری انگلیسی است.

وی در مقاله ای که به همایش ارایه کرد، با اشاره به گفتگوها و نتیجه گیریهایی که به دنبال ارتباط با گروههای یاد شده به دست آورد، گروه اول را علاقه مندترین گروه به حفظ زبان، سنتها و آداب و رسوم و آخرین گروه را فاصله دارترین گروه با حفظ زبان و معیارهای مورد توجه در کشورهای عربی معرفی کرد. این کارشناس همچنین به

مسئله دوگانگی فرهنگی فرزندان گروه‌های اول تا سوم، در زمان حضور در انگلستان و یا مسافرت به سرزمین مادری خود اشاره می‌کند و می‌گوید که به این افراد در جامعه انگلستان به چشم یک بیگانه نگریسته می‌شود و هنگامی که به میهن خویش سفر می‌کنند، به دلیل تفاوت‌های فرهنگی ناشی از زندگی در یک جامعه غربی، آنان را انگلیسی و یا غرب زده تلقی می‌کنند و به همین دلیل این فرزندان به سختی می‌توانند احساس تعلق سرزمینی داشته باشند. نویسنده این گزارش، خود چنین تجربه‌ای را پشت سر نهاده است. به دلیل تولد و سپری کردن دوران کودکی و نوجوانی در یکی از کشورهای هم‌جوار، نویسنده هرگاه به ایران سفر می‌کرد، از سوی دوستان و هم‌بازیها، گاه به شوخی و گاهی جدی به عنوان یک عرب مورد خطاب قرار می‌گرفت. ضمن اینکه در آن کشور عربی نیز همواره یک ایرانی تلقی می‌شد. این دوگانگی و تضاد در برخوردها که ناشی از زندگی در کشورهای بیگانه بود، تمامی هم سن و سالان نویسنده را که اتفاقاً به شهرهای مختلف ایران سفر می‌کردند و اغلب تابستانها را نزد بستگان و فامیل خویش در ایران سپری می‌کردند، آزار می‌داد.

غاده الکریمی، رییس گروه مهاجران فلسطینی در لندن، نیز در سخنرانی خود به مسئله شکاف بین نخستین نسل از اعرابی که به انگلستان آمده بودند و همواره به سرزمین اصلی خویش فکر می‌کردند و هیچ‌گاه خود را انگلیسی نمی‌دانستند و نسل دومی که حتی اگر خود را عرب بدانند متمایل است برای همیشه در انگلستان و در یک جامعه غربی زندگی کند، اشاره می‌نماید. به اعتقاد وی، مهمترین کاری که هم اکنون مورد نیاز اعراب ساکن در انگلستان است، کمک به نسل جوان عرب برای آشنایی بهتر با کشور و ریشه خویش قبل از ادغام کامل در جامعه انگلستان است. وی با انتقاد از اعرابی که می‌اندیشند با کسب نفوذ و قدرت سیاسی می‌توان به منافع اعراب کمک کرد، ضمن تشریح نظام حزبی غیر منعطف انگلستان و الزام نمایندگان به تبعیت از حزب و اهداف آن، این نکته را یادآور می‌شود که می‌توان با انسجام و همبستگی درونی در خدمت جامعه عرب بود، همچنان که سیصد هزار شهروند یهودی ساکن در انگلستان بسیار بیش از هشتصد هزار هندی ساکن در این کشور با توجه به این نکته و حفظ یکپارچگی خویش توانسته‌اند در زمینه‌های مختلف به جامعه یهودی کمک‌های شایان توجهی ارائه نمایند.

بر خلاف دیدگاه‌های خانم غاده الکریمی، کریس دوپل، مدیر اطلاع‌رسانی شورای تحکیم روابط عربی-بریتانیایی، معتقد است که اعراب باید در جهت کسب نقش و موقعیت در احزاب سیاسی اصلی انگلستان فعالیت کنند و اولویت را به انتخاب اعضای عرب در پارلمان انگلستان و پارلمان اروپایی بدهند.

غسان کاریان، شهردار منطقه هامر اسمیت، که لبنانی الاصل می‌باشد نیز ضمن تأیید افزایش فعالیت سیاسی اعراب، مهمترین دلیل برای این نوع فعالیت را در این مسئله می‌بیند که برای کودکان و نوجوانان عربی که تابعیت انگلیسی دارند و در این کشور زندگی می‌کنند، انگلستان آینده‌شان محسوب می‌شود، بنابراین باید به خاطر آینده این کودکان در حیات سیاسی این کشور مشارکت فعالانه‌ای داشت. وی با اشاره به اینکه در جهان عرب «فعالیت سیاسی» یک واژه «تخریبی» و مترادف با جاسوسی برای گروه‌ها و سازمان‌های مختلف می‌باشد، اظهار می‌دارد که بزرگترین مانع در راه مشارکت سیاسی اعراب در جامعه انگلستان، خودسانسوری و ایجاد موانع از سوی خود اعراب می‌باشد، در حالی که می‌توان به عنوان نخستین گام‌های افزایش

حضور سیاسی در این جامعه به مسایلی همچون محیط زیست، حقوق بشر، بهداشت و مسکن پرداخت و سپس با افزایش همکاریها و رشد همبستگی درونی سطح مشارکت را به تدریج بالاتر برد. به نظر غسان کاریان اگر اعراب بتوانند به انسجام داخلی برای مشارکت سیاسی دست یابند، آنگاه ارتباط با دیگر اقلیتهایی که مشکلات و مسایل مشابهی با اعراب دارند نیز آسانتر انجام خواهد شد.

میسون الشرفا، مسئول اطلاع‌رسانی دفتر فلسطین در لندن، در سخنرانی خویش اهمیت توجه به جنبش دانشجویی عرب در حیات سیاسی انگلستان را مورد بررسی قرار داد. وی خواستار آن شد که دست اندرکاران این همایش از اتحادیه ملی دانشجویان که بزرگترین تشکل دانشجویی در انگلستان می‌باشد، حمایت کنند تا این اتحادیه بتواند دانشجویان عرب بیشتری را جذب نماید و فرهنگ عربی را با توان بیشتری گسترش دهد. وی با ذکر این مطلب که این اتحادیه از سوی رسانه‌های گسروهی و بعضی از دانشجویان چندان شناخته شده نیست، ابراز امیدواری کرد که با حمایت از این اتحادیه مشارکت سیاسی دانشجویان در حیات حزبی انگلستان در آینده‌ای نزدیک افزایش یابد.

میسون الشرفا از لرد ادوارد هیث، رئیس سابق اتحادیه دانشجویان دانشگاه آکسفورد، مارگارت تاچر، رئیس سابق اتحادیه دانشجویان دانشگاه آکسفورد و نخست وزیر پیشین انگلستان، جک استراو وزیر امور خارجه انگلستان و یاسر عرفات، مؤسس اتحادیه دانشجویان فلسطینی در سراسر جهان، به عنوان کسانی نام برد که نقطه آغازین فعالیتهای سیاسی‌شان، فعالیتهای دانشجویی بوده است.

در ارتباط با سامان دهی و تأمین منابع مالی برای فعالیت اعراب در انگلستان، که موضوع چهارم این همایش می باشد، صباح المختار، رئیس کانون وکلای عرب، در سخنرانی خود تلاش کرده است که به مهمترین عوامل عدم انسجام و از هم گسیختگی موجود در نزد اعراب ساکن در انگلستان به عنوان مهمترین دلیل عدم سامان پذیری این گروه از افراد اشاره نماید. وی معتقد است در انگلستان به اعراب به عنوان یک گروه جمعیتی نگریسته می شود، در حالی که اعراب در میان خود چنین دیدگاهی را ندارند و تلاش می کنند تا به جای آنکه یک عرب تلقی شوند، به نام یکی از اتباع سرزمین خویش مثلاً سودانی، مصری،

عراقی، و غیره مورد خطاب قرار گیرند. ضمن اینکه در انگلستان عموماً اعراب را افرادی «تروریست، عقب مانده، قمارباز و ثروتمندانی غیرقانونی» می دانند. به نظر صلاح مختار، تمایل اعراب به تقسیم بندی خویش در واحدهای سرزمینی، نه تنها کمکی به بهبود وضعیت آنان در جامعه انگلستان نمی کند، بلکه عاملی است برای افزایش تهمتها و افتراها به اعراب در سطح رسانه های گروهی. به اعتقاد او، در رسانه های گروهی انگلستان هیچ توهینی به فلسطینی ها، مراکشی ها، عراقی ها و دیگر اتباع عربی نمی شود، ولی این امر در قالب توهین به اعراب مشاهده می گردد و اغلب هم هیچ گونه واکنشی از سوی اعراب علیه این گونه تهمتها به چشم نمی خورد. از سوی دیگر این تمایل موجود در میان اعراب به تقسیم بندی خویش در واحدهای سرزمینی جداگانه منجر به ضعف آنان در میان سایر اقلیتها و ناتوانی در زمینه حضور فعالانه در عرصه سیاسی و حزبی در انگلستان شده است. صباح مختار معتقد است اعراب ساکن در بریتانیا به طور کلی:

الف. در وطن اصلی خود هرگز با کار و فعالیت مدنی/اجتماعی آشنا نشده اند؛

ب. در وطن اصلی خود از هرگونه

تمرین سیاسی محروم بوده اند؛

ج. به دنبال بهبود وضعیت فردی خویش می باشند و بهبود وضعیت اقلیت عرب برایشان چندان مهم نیست؛

د. برای انجام کارهای گروهی و مشارکت دسته جمعی آمادگی ندارند؛

ه. به جای توجه به دیدگاههای گروهی به رأی شخصی خویش پایبند می باشند؛

و. تمایل اندکی به اعطای کمک مالی به فعالیت عام و خیریه ای که دیگران انجام می دهند، دارند.

صباح مختار بر این باور است که این وضعیت در نزد اعراب ساکن در بریتانیا منجر به از دست رفتن فرصتهای بسیاری شده است و ادامه آن به نفع اعراب نیست. او پیشنهاد زیر را ارائه می دهد:

۱. اعراب خود را سازمان دهی کنند؛
۲. این سازمان دهی مورد تأیید اکثریت قرار گیرد؛

۳. با هیچ سازمانی در تعارض نباشد؛
۴. دارای ساختاری مستقل و مجزا از دیگر مؤسسه ها و نهادها باشد؛

۵. اعضای سازمان، خود تصمیم گیرنده باشند، نه گروهها و ظرفهای دیگر؛

۶. سازمان دارای استقلال مالی باشد

و به خود اقلیت عرب اتکا داشته باشد؛

۷. دارای کارکنانی با حقوق مکفی باشد.

صلاح مختار پیشنهاد می کند که سازمانی تحت عنوان «شورای اعراب ساکن انگلستان» تشکیل شود و دارای ساختاری مرکب از: الف. مجمع عمومی؛ ب. شورای اجرایی؛ ج. شورای مشورتی؛ د. کمیته اجرایی؛ و ه. کمیته فنی باشد.

با توجه به اهمیت تأمین بودجه لازم برای تأسیس و استمرار فعالیت یک سازمان غیردولتی همانند آنچه که صباح المختار پیشنهاد می دهد، راهکارهایی برای جذب منابع مالی از سوی محمد المسیبی، از فعالان اجتماعی در انگلستان، طی مقاله ای با عنوان «تأمین مالی اقلیت عرب» ارائه شده

است. المسیبی معتقد است اعراب دارای ویژگی مهمی هستند که این ویژگی می تواند به آنها در جهت جذب کمکهای نقدی و غیرنقدی بسیار یاری کند و این ویژگی چیزی نیست جز دستورهای دین مبین اسلام. به نظر وی می توان با کمک گرفتن از اوقاف اسلامی، زکات مسلمین و هبه ها و کمکهای خیریه ای که مسلمانان بدان اقدام می نمایند، منابع مناسبی برای تأمین بودجه

تازه‌های کتاب درباره خاورمیانه

تهیه و تنظیم: دکتر حمید احمدی
دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

Henner Furtig, *Iran's Rivalry with Saudi Arabia between the [Persian] Gulf Wars.*: Ithaca Press, 2002, 308 pages.

رقابت ایران با عربستان سعودی در فاصله جنگ‌های خلیج فارس

با وابستگی هرچه بیشتر جامعه بین‌المللی به منطقه خلیج فارس به خاطر ذخایر آن، اطلاعات درباره ریشه‌های رقابت سخت میان ایران و عربستان سعودی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. نویسنده بر آن است که ریشه‌های رقابت در تلاش ایران برای معرفی خود به عنوان یک سرمشق برای جوامع مسلمان نهفته است، زیرا این تلاش ادعای تاریخی عربستان سعودی در مورد حفاظت از دین اسلام را به چالش کشیده است. تنش‌های میان دو کشور با حوادث گوناگون دچار فراز و نشیب شده است: در جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۸۸) عربستان سعودی به حمایت مادی از عراق دست زد تا دعاوی جهانشمول گرای اسلامی ایران را نابود کند.

مورد نیاز جهت اقدام به تأسیس یک سازمان عربی جمع‌آوری کرد. سپس به دنبال آغاز فعالیت چنین سازمانی، مؤسسه‌های خیریه انگلستان، منابع دولتی و همچنین کمک‌هایی که اتحادیه اروپا معمولاً به این نوع سازمانها ارایه می‌دهد، می‌توانند به تداوم و استمرار این سازمان منجر بشوند. وی معتقد است چنین سازمانی که مورد حمایت اقلیت عرب ساکن انگلستان می‌باشد، قادر است که با ارایه خدمات اجتماعی گوناگون، برای خود نیز کسب درآمد کند و به تدریج از اتکا خویش به کمک‌های بیرونی بکاهد. وی نتیجه‌گیری می‌کند که همبستگی اکثریت اعراب با یکدیگر از طریق تأسیس یک نهاد مستقل، هم می‌تواند آنان را تبدیل به اقلیتی مؤثر در جامعه انگلستان نماید و هم اینکه به تحکیم ارتباط فرهنگی و اقتصادی اعراب با سرزمین اصلی‌شان منجر شود.

